

و حنفی بغدادی. او همچون پدر و برادرش، عبدالله، به علم حدیث گرایش پیدا کرد و در نخستین گام، پدرش آموزش او را عهده‌دار شد (ذهبی، سیر، ۴۱۶/۱۷)، اما بعداً از استادان بی‌شماری بهره برد که از آن جمله ابوعمر و عثمان بن احمد ابن سماک، ابوبکر احمد بن سلمان بن حسن بن نجاد، ابوبکر احمد بن کامل بن خلف قاضی و عبدالباقی ابن قانع قابل ذکرند (خطیب، ۲۷۹/۷؛ ذهبی، همان، ۴۱۶/۱۷ - ۴۱۷). ابوعلی کلام اشعری را از ابوالعباس محمد بن احمد نقاش فرا گرفت (ابن اثیر ۶۹/۹؛ قس: ابن عساکر، ۲۴۵). او به زودی در بغداد محدث و متکلمی مشهور و مورد اطمینان در نقل حدیث شد و کسانی چون ابن‌رزقویه و ازهری و خطیب بغدادی او را فقه و صدوق خوانده‌اند (خطیب، همانجا). وسعت علم و اشتیاق ابوعلی مشتاقان فراوانی را گرد وی فراهم آورد. از جمله کسانی که از او حدیث آموخته‌اند، می‌توان ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی، ابو اسحق ابراهیم بن علی شیرازی، ابوالمعالی محمد بن زید علوی، ابوالحسن صابی، محمد بن هلال صابی غرس النعمه و ابومحمد جعفر بن احمد سراج را نام برد (سمعی، ۳۹۴/۵؛ ابن جوزی، ۷/۹، ۱۵۱؛ ذهبی، العبر، ۳۴۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۳۴/۱۲؛ ابن نجار، ۹۳). ابن شاذان در علم قرائت نیز دستی داشته و ابن جزری (۲۰۶/۱) از ابوبکر بن مقسم به عنوان شیخ او و از احمد بن حسن بن خیرون به عنوان راوی او در این فن یاد کرده است. وی در بغداد درگذشت و پس از ادای نماز بر جنازه او که خطیب بغدادی هم در آن حضور داشته است، در مقبره باب‌الدیر به خاک سپرده شد (خطیب، ۲۸۰/۷).

آثار: ذهبی (سیر، ۴۱۷/۱۷) از دو اثر او تحت عناوین المشیخة الکبری و المشیخة الصغری یاد کرده که نسخه‌های آن در کتابخانه طاهریه (ظاهریه، ۶۱ - ۶۲) موجود است؛ نیز رساله‌ای تحت عنوان الافراد (همان، ۶۰) و همچنین برخی از اجزای حدیثی ابن‌شاذان با عناوین مختلف در همان کتابخانه (همان، ۶۰ - ۶۲) و نیز در کتابخانه دانشگاه بیل (نموی، شمس ۶۷۴) موجود است.

مأخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن جزری، محمد بن محمد، غایة النهایة، به کوشش گ. برگشترسر، قاهره، ۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۳ م؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۹ ق؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تبیین کذب المفتری، بیروت، ۱۹۸۴ م؛ ابن کثیر، البدایة؛ ابن النجار، محمد بن محمود، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، به کوشش ابن‌دمیاطی، بیروت، ۱۹۷۱ م؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ ق؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و محمد نعیم عرقسوسی، بیروت، ۱۹۸۳ م؛ همو، العبر، به کوشش محمد سعید زغلول، بیروت، ۱۹۸۵ م؛ سمعی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، به کوشش عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۶ م؛ طاهریه، خطی (حدیث)؛ نیز:

Nemoy, Leon, Arabic Manuscripts in the Yale University Library, New Haven, 1956.  
علی بن ته‌کن

ابن شاذان، ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل آزادی نیشابوری (د ۲۶۰ ق/ ۸۷۴ م)، متکلم و فقیه امامی. در مورد زندگی او اطلاعات دقیقی به دست نرسیده و رفع تناقض بین اطلاعات پراکنده موجود نیز

تا حدی مشکل است. ظاهراً اصل او از نیشابور بود، اما نسب وی به قبیله عرب آزد می‌رسید. پدرش شاذان بن خلیل خود از محدثان امامیه به شمار می‌آمد (نک: نجاشی، ۳۰۶؛ طوسی، اختیار، جم). آنگونه که از روایت کشی برمی‌آید، او مدتی پس از وفات هارون عباسی (۱۹۳ ق) به همراه پدرش به بغداد آمد و در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، در قطیعة الربیع بغداد نزدیکی از مقریان به نام اسماعیل بن عیاد به آموختن قرآن پرداخت (نک: نجاشی، ۳۴؛ طوسی، همان، ۵۱۵، ۵۹۱ - ۵۹۲). او در بغداد از مشایخی چون محمد بن ابی عمیر (د ۲۱۷ ق) بهره برد و با حسن بن علی بن فضال آشنا گردید (همانجا). براساس آنچه گذشت و خواهد آمد، حضور او در بغداد نمی‌تواند از ۱۹۳ - ۲۰۳ ق/ ۸۰۹ - ۸۱۸ م فراتر باشد. ابن شاذان سپس به کوفه رفت و در آنجا از مشایخی چون حسن بن علی بن فضال، حسن بن محبوب، احمد بن محمد بن ابی نصر، صفوان بن یحیی و نصر بن مزاحم منقری بهره جست (همانجا؛ ابن شاذان، مختصر، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۳؛ طوسی، الغیة، ۲۷۱).

با توجه به روایت او از داوود بن کثیر کوفی (نک: استرآبادی، ۱۹/۱، به نقل از طوسی) که در حدود ۲۰۳ ق وفات یافته و ظاهر حکایت کشی که دلالت بر حضور ابن شاذان در کوفه در زمان حیات طاهر ذوالیمینین (د ۲۰۷ ق) دارد (طوسی، اختیار، ۵۱۶)، می‌توان حداقل اقامت او در کوفه را در فاصله ۲۰۳ - ۲۰۷ ق دانست. ابن شاذان به واسطه نیز رفته است (طوسی، همان، ۲۵۵). در میان مشایخ او برخی محدثان بصری چون حماد بن عیسی، محمد بن جمهور عمی و ابوجعفر بصری دیده می‌شوند، ولی دلیلی بر اثبات حضور او در بصره در دست نداریم (نک: کلینی، ۴۱۳/۱؛ طوسی، همان، ۴۱۱، ۴۸۸؛ برای دیگر مشایخ وی، نک: همان، جم؛ همو، الغیة، جم؛ ابن شاذان، مختصر، جم). در عبارت مبهمی از نجاشی (ص ۳۰۷) آمده که ابن شاذان صحبت امام جواد (ع) (امامت: ۲۰۳ - ۲۲۰ ق) را درک کرده و از آن حضرت روایت کرده است، ولی احتمال دارد این خبر مربوط به پدر فضل بوده باشد (قس: ابن شهر آشوب، ۳۸۰/۴، که پدر فضل را از اصحاب امام جواد (ع) شمرده است). طوسی در رجال (ص ۴۲۰) ابن شاذان را در شمار اصحاب امام هادی (ع) (امامت: ۲۲۰ - ۲۵۴ ق) آورده است. با توجه به حضور ابن شاذان در عراق در ربع اول سده ۳ ق، احتمال روایت مستقیم او از این دو امام وجود دارد، اما اینکه در آثار ابن بابویه به احادیثی برمی‌خوریم که حاکی از استماع مستقیم ابن شاذان از امام رضا (ع) است و گاهی تصریح شده که این استماع در زمانی نسبتاً طولانی انجام گرفته، امری غریب است (نک: ابن بابویه، التوحید، ۱۳۷، ۲۷۰؛ همو، الخصال، ۵۸/۱؛ همو، عیون، ۱۱۹/۲، جم)، ولی صحبت او را با آن حضرت، برقی (صص ۵۳ - ۵۵)، طوسی (الرجال، ۳۸۵) و نجاشی (ص ۲۷) تأیید نکرده‌اند. و کشی به تکرار روایات با واسطه او را از امام رضا (ع) آورده است (نک: طوسی، اختیار، ۲۰۳، ۴۸۵، ۴۸۸). با توجه به اینکه امام رضا (ع) تا ۲۰۱ ق در

از اعتبار خاصی برخوردار است. به عنوان مثال براساس روایت کشی او آیات مربوط به استوای بر عرش را در مورد خداوند به همان معنای ظاهری آن گرفته و به نوعی تجسیم قائل شده است؛ در عین حال صفات خداوند را برخلاف مفهوم عادی آن در مورد انسانها دانسته و بر اینکه هیچ یک از مخلوقات با خداوند شباهتی ندارند، تأکید کرده است (نک: طوسی، اختیار، ۵۴۰، ۵۴۲؛ ابن ابی الحدید، ۲۲۸/۳). البته می‌توان در درک دقیق راویان از جزئیات سخن ابن شاذان تردید کرد، ولی اساس انتساب اینگونه مطالب را به وی نباید کاملاً مردود شمرد، به خصوص اینکه ابن شاذان خود را خلف هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن و سگاک خوانده است (طوسی، همان، ۵۳۹)، بلکه باید در درک معنای تجسیم در عقیده او و اسلافش دقت به خرج داد (برای تفصیل در این باره، نک: ابن ابی الحدید، همانجا). به طور کلی عقیده ابن شاذان در باب صفات الهی، آنگونه که نقل شده است، قرابت زیادی به عقاید سلفیان اهل سنت دارد.

در مورد رابطه ابن شاذان با دیگر مذاهب امامیه باید گفت او در عراق با مشایخ فطحی و واقفی رابطه نزدیکی داشته است. وی در مجالس مناظره ابن فضال، بزرگ فطحیان، شرکت می‌جست و مورد علاقه وافر او بود (طوسی، اختیار، ۵۱۶). در میان مشایخ او برخی دیگر از فطحیان چون علی بن اسباط دیده می‌شود (طوسی، الغیبه، ۲۸۴). از مشایخ واقفی او نیز سیف بن عمیره، عثمان بن عیسی، عبدالله بن قاسم حضرمی و عبدالله بن جبلة را می‌توان یاد کرد (نک: همان، ۲۸، ۱۰۲، ۲۷۱، ۲۸۳). در مورد رابطه او با امام حسن عسکری (ع) روایات بر دو دسته است. در یک دسته سخنانی از آن حضرت در عتاب و سرزنش وی وارد شده (طوسی، اختیار، ۵۴۱، ۵۴۳). و در برخی ترجم امام (ع) نسبت به وی و مدح او دیده می‌شود (همان، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۳). فهرستی که نجاشی (ص ۳۰۷) و طوسی (الفهرست، همانجا) از آثار ابن شاذان ارائه می‌کنند، نشان می‌دهد که او با گروههای فکری گوناگونی درگیر بوده و بر آنان ردیه‌ها نوشته است. از آن جمله می‌توان از معتزله، معطله، مرجئه، خوارج و غالیان شیعه یاد کرد. در این میان ردیه او بر کرامیه که مؤسس آن در ۲۵۵ ق وفات یافته، به خصوص ردیه او بر قرامطه که تنها اندکی پیش از ۲۶۴ ق پای گرفته‌اند، نیازمند تأمل و مطالعه است. خود ابن شاذان نیز مورد نقض مخالفان قرار گرفته است (نک: نجاشی، ۳۸۸؛ طوسی، الفهرست، ۱۶۱). ابن جنید اسکافی متکلم امامی سده ۴ ق که از بعضی جهات به ابن شاذان نزدیک است، کتابی در دفاع از او تألیف کرده است (نک: نجاشی، ۳۰۷؛ ه د، ابن جنید). ابن شاذان به عنوان یک فقیه نیز شناخته می‌شد (طوسی، الفهرست، ۱۲۴) و محقق حلی (ص ۷، سطر ۱۱) او را در زمره فقیهان درجه اول امامیه شمرده است، با اینهمه اطلاعات باقی مانده از فقه او اندک است. بخشی از فقه ابن شاذان که مخالفت بارزی با نظرات مشهور امامیه ندارد، در کتاب العلل او قابل دسترسی است. ولی این کتاب تنها مباحث مربوط به عبادات را شامل

مدینه بوده و از آن تاریخ تا ۲۰۳ ق به عنوان ولی عهد مأمون از مدینه به سوی خراسان حرکت کرده و در آنجا سکنی گزیده است، استماع مستقیم ابن شاذان از آن حضرت، آنهم برای مدتی قابل ملاحظه بعید می‌نماید.

ابن شاذان پس از چندی از عراق به نیشابور بازگشت و در آنجا اقامت گزید و در زمان حکومت عبدالله بن طاهر بر خراسان (۲۱۴ - ۲۳۰ ق) به جهت تشیع مورد تفتیش عقاید قرار گرفت و از نیشابور نفی شد (طوسی، اختیار، ۵۳۹ - ۵۴۰). در زمان امام حسن عسکری (ع) (۲۵۴ - ۲۶۰ ق) ابن شاذان یکی از معتبرترین عالمان امامی خراسان به شمار می‌رفت و کشی از ارتباط دورادور او با آن حضرت خبر داده است (طوسی، اختیار، ۵۴۲ - ۵۴۳؛ قس: طوسی، الرجال، ۴۳۴). که ابن شاذان را در شمار اصحاب آن حضرت آورده است. یک روایت نیز از حضور او در بیهق در اواخر عمر گزارش می‌دهد (طوسی، اختیار، ۵۴۳). ابن شاذان سرانجام در اواخر ۲۵۹ ق در بستر بیماری افتاد و در اوایل ۲۶۰ ق درگذشت (نک: همان، ۵۳۸، ۵۴۳) و مقبره وی هم اکنون در نیشابور باقی است.

برجسته‌ترین جنبه علمی شخصیت ابن شاذان کلام اوست، چنانکه طوسی (الفهرست، ۱۲۴) از وی به عنوان منکلمی جلیل‌القدر یاد کرده است. بر پایه اطلاعات اندکی که در دست است، اساس تعالیم کلامی ابن شاذان، پس از شهادتین، اقرار به حجت خداوند و اقرار به «ما جاء من عندالله» است (ابن شاذان، العلل، ۱؛ قس: طوسی، اختیار، ۵۳۹، سطر ۲ و ۳، ۵۴۰، سطر ۱۲ و بعد). کلیات عقیده او در باب امامت با عقاید امامیه تطابق کامل دارد. زیرا او استحقاق امامت را به نص می‌داند و امام را مقرر الطاعة می‌شمرد (ابن شاذان، همان، ۳) و این را که در زمان واحد بیش از یک امام بر روی زمین باشند، ناممکن می‌داند (همان، ۴). او در کتاب العلل (صص ۱-۴) و در مناظراتی که از وی نقل شده (سیدمرتضی، الفصول، ۸۲/۱ - ۸۵، جم: طوسی، اختیار، ۵۳۹)، ادله خود را بر اثبات امامت حضرت علی (ع) و نفی امامت شیخین و برخی دیگر از مسائل امامت بیان کرده است. او به اساس رجعت قائل بود (نک: ابن شاذان، مختصر، جم) و در مسأله‌ای چون ازدواج عمر با ام‌کلثوم دختر امام علی (ع) معتقد بود که آن ام‌کلثوم دیگری بوده است (نک: قمی، ۱۹۳). با اینهمه گفته‌اند که او در برخی مسائل امامت نظرات ویژه‌ای داشت. وی با این عقیده که امامان به بواطن امور آگاهند و علم الهی لاینقطع به ایشان می‌رسد، موافق نبود و معتقد بود پیامبر (ص) دین را به طور کامل آورده و امامان پس از او علم خود را از سرچشمه پیامبر (ص) فرا گرفته‌اند (طوسی، اختیار، ۵۴۰ - ۵۴۱). گفته شده ابن شاذان وصی ابراهیم (ع) را برتر از وصی پیامبر (ص) می‌دانست و این به مفهوم تفضیل انبیا بر ائمه است (همان، ۵۳۸)، ولی یکی از هواداران معاصرش این سخن را اتهامی به وی دانسته است (همانجا). با مقایسه روایات کشی با متن العلل چنین برمی‌آید که اقرار به «ما جاء من عندالله» در کلام ابن شاذان

می‌شود. چنانکه از تلویح ابن بابویه (من لا یحضره الفقیه، ۱۹۷/۴) و تصریح سید مرتضی (بحر العلوم، ۲۱۵/۳) برمی‌آید، ابن شاذان به حجّت قیاس مستنبط العلّه قائل بوده است (قس: علامه حلی، ۱۷۹/۵). برخورد علت گرایانه او با احکام شرعی در سراسر العلل نیز مؤیدی بر این امر است. به هر حال قول به حجّت قیاس نزد فقیهان امامیه کم‌نظیر بوده و تنها برخی چون یونس بن عبدالرحمن، که ابن شاذان خود را خلف او می‌دانست، بدان قائل بوده‌اند. (نک: بحر العلوم، همانجا).

ابن شاذان به عنوان یک راوی در سلسله اسناد بسیاری از احادیث امامیه قرار گرفته و نجاشی (ص ۳۰۷) به توثیق او تصریح کرده است. کشتی در مواضع بسیاری به نظرات و جرح و تعدیلهای او درباره محدثان استناد جسته است (نک: طوسی، اختیار، ۴۴۶، جم).

آثار: آثار او را بالغ بر ۱۸۰ عنوان دانسته‌اند که برخی از آنها را که در کلام و فقه است، نجاشی در رجال (همانجا) و طوسی در فهرست (صص ۱۲۴ - ۱۲۵) آورده است. از جمله: ۱. اثبات الرجعة، که نجاشی آن را ذکر کرده (همانجا) و منتخبی از آن به کوشش باسم موسوی در مجله تراثنا (شماره ۱۵، قم، ۱۴۰۹ ق) به چاپ رسیده است؛

۲. الطلاق، که نجاشی و طوسی (همانجاها) از آن یاد کرده‌اند و کلینی (۹۳/۶ - ۹۶، جم) قطعاتی از آن را نقل کرده که ظاهراً برگرفته از همین کتاب است؛ ۳. العلل، در علل مربوط به عبادات است که نجاشی و طوسی (همانجاها) آن را ذکر کرده‌اند؛ ۴ و ۵ و ۶. الفرائض الکبیر و الفرائض الاوسط و الفرائض الصغیر (همانجاها)؛ ۷. مسائل البلدان، که نجاشی (همانجا) بدان اشاره کرده و طوسی در برخی از آثارش بخشهایی از آن را نقل کرده است (نک: استرآبادی،

۲۳۶/۱، جم)؛ ۸. یوم و لیلّة، که گفته شده به نظر امام حسن عسکری (ع) رسیده و مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است (نک: طوسی، اختیار، ۵۳۸، ۵۴۲)؛ کشتی از برخی آثار رجالی ابن شاذان بهره گرفته است (نک: همان، ۱۱۲، ۵۲۰، جم). شایان ذکر است که کتابی با عنوان الايضاح به کوشش جلال‌الدین محدث در تهران در ۱۳۵۱ ش به نام فضل بن شاذان (به عنوان مؤلف) منتشر شده و سپس در بیروت در ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م تجدید چاپ شده است. هیچ‌یک از متقدّمان این کتاب را به ابن شاذان نسبت نداده‌اند و این نسبت نخستین بار در سده ۱۱ ق در آثار فیض کاشانی به چشم می‌خورد (مثلاً نک: ص ۵). مؤلف در الايضاح به نقض مخالفان امامیه به طور اعم و معتزله، جهمیه، مرجئه، خوارج و اصحاب حدیث به طور اخص پرداخته است. تنها سند موجود در این کتاب که می‌تواند در تشخیص طبقه مؤلف مفید باشد، عبارت «و حدّثنا ابن ابی شریح» است (ص ۳۶۶) که اگر آن را تصحیف «ابن ابی شریح» (د بعد از ۲۴۰ ق) بدانیم، چندان به اینکه مؤلف کتاب ابن شاذان باشد، کمک نمی‌کند. به هر حال با این عبارت می‌باید با احتیاط برخورد شود. شاهد دیگر موجود در کتاب (ص ۳۴۱) این است که مؤلف گذاردن نام فرائض بر مبحث مواریث را از

برساخته‌های اهل سنت می‌شمرد، حال آنکه ابن شاذان، چنانکه ذکر شد، سه کتاب با عنوان الفرائض تألیف کرده است. شاهد دیگر اینکه سید مرتضی در الشافی (ص ۲۴۲، جم) مطالبی را که احتمالاً از کتاب الايضاح گرفته، به ابن شاذان نسبت نداده است (قس: الايضاح، ۱۳۵ - ۱۳۹، جم؛ برای توضیح بیشتر، نک: ه. د. ابن رستم طبری). جلال الدین محدث در مقدمه الايضاح سعی کرده با ذکر شواهدی صحت انتساب کتاب را به ابن شاذان ثابت کند.

مأخذ: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۹ ق/ ۱۹۵۹ م؛ ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، به کوشش هاشم حسینی، تهران، ۱۳۸۷ ق؛ همو، الغصّال، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۸۹ ق؛ همو، عیون الاخبار، نجف، ۱۳۹۰ ق؛ همو، من لا یحضره الفقیه، نجف، ۱۳۷۶ ق؛ ابن شاذان، فضل، مختصر اثبات الرجعة، به کوشش باسم موسوی، تراثنا، قم، ۱۴۰۹ ق، شماره ۱۵، همو، العلل، به کوشش احمد پاکتچی، منتشر نشده؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، چاپخانه علمیه، استرآبادی، شرف‌الدین، تأویل الآیات، قم، ۱۴۰۷ ق؛ الايضاح، منسوب به ابن شاذان، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۵۱ ش؛ بحر العلوم، محمد مهدی، الرجال، تهران، ۱۳۴۳ ق؛ برقی، احمد بن ابی عبدالله، الرجال، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ سید مرتضی، علی بن حسین، الشافی، ایران، ۱۳۰۱ ق؛ همو، الفصول المختارة، نجف، کتابخانه حیدریه، طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ همو، الرجال، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۰ م؛ همو، الغیبه، تهران، ۱۳۹۸ ق؛ همو، الفهرست، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، کتابخانه مرتضویه؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف النبیة، ایران، ۱۳۲۴ ق؛ فیض کاشانی، محمدحسین، الاصول الاصلیه، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۴۹ ش؛ قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، به کوشش جلال‌الدین تهرانی، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، ۱۳۷۷ ق؛ محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد، ایران، ۱۳۱۸ ق؛ نجاشی، احمد بن علی، الرجال، به کوشش موسی زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق.

احمد پاکتچی

ابن شاذان، محمد بن احمد بن علی بن حسن قمی (ح ۳۳۵ - ح ۴۲۰ ق/ ۹۴۶ - ۱۰۲۹ م)، فقیه و محدث امامی. پدر وی از محدثان بزرگ و به قولی شیخ امامیه در روزگار خود (نجاشی، ۶۲؛ ابن حجر، ۲۳۴/۱) و مادرش خواهرزاده ابن قولویه، از مشایخ بزرگ امامیه بوده است (کراجکی، کنز، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۲۰؛ طوسی، امالی، ۲۹۵/۲، ۳۰۰). از آنجا که ابن شاذان و پدرش، «قمی» خوانده شده‌اند و با بررسی مشایخ پدر وی و نیز خویشاوندی او با ابن قولویه چنین برمی‌آید که اصل این خانواده از قم بوده است. اطلاق نسبت «کوفی» به ابن شاذان نخستین بار در امل الآمل حر عاملی (۲۴۱/۲) دیده شده و سپس به پیروی از آن در منابع بعدی آمده است (افندی، ۲۶/۵؛ بهبهانی، ۴۹۶). برخی از محققان در صدد یافتن محملی برای جمع بین نسبت کوفی و قمی وی بوده‌اند (خوانساری، ۱۸۰/۶)، لیکن با توجه به اینکه حر عاملی در اثبات الهداة (۳۱/۱) به ابن شاذان تنها لقب «قمی» داده، احتمالاً نسبت کوفی در امل الآمل نوعی سهوالقلم بوده است. در جمال الاسبوع ابن طاووس (ص ۱۳۶) و چند نوشته معاصر ابن شاذان را «قمی» نیز خوانده‌اند (آقابزرگ، طبقات، ۱۵۰؛ ابطحی، ۵)، لیکن نجاشی (همانجا) این نسبت را مربوط به پدر ابن شاذان دانسته است.